

## مردم آگاه ، کارگران ایران

طبقه کارگر جهان برای رسیدن به خواسته‌های خود در برابر سرمایه و سرمایه داران مبارزه ای را شروع کرده است که تا امروز هزاران نفر از فعالان و انسانهای آزاده خود را از دست داده است . این مبارزه میان کارگران و سرمایه داران و حامیانشان تا رسیدن به خواسته‌های طبقه کارگر ادامه دارد . از یک طرف سرمایه داران و حامیانشان که دارای تمام امکانات سرکوبگرانه هستند و از طرف دیگر کارگران با جان و شجاعت از موجودیت خود دفاع و خواستار دنیای برابری هستند . در این مبارزه فعالان کارگری اولین کسانی هستند که مورد حمله سرمایه داران و نهادهای سرکوبگرشان قرار می گیرند . اگرچه هر ساله در سراسر جهان هزاران فعال کارگری مورد شکنجه، زندان، اعدام و .. قرار می گیرند اما زندان ، اعدام و شکنجه هیچ وقت نتوانسته از مبارزه کارگران بکاهد و هر روز مبارزه با نظام سرمایه داری و دولت های حامیشان وارد فاز تازه تری می شود . این دولت ها هستند که از کارگران وحشت دارند نه کارگران ، این دولتها هستند که برای کارگران جاسوس می گمارند نه کارگران !

ما کارگران باید خوشحال باشیم که نه کارخانه داریم و نه کارگاه ولی برای صد ها نفر از کسانی که توانای کار ندارند ( یعنی کسانی که از طرف دولت ها به

**عنوان جاسوس شب و روز ما را تحت تعقیب دارند**) ایجاد

اشتغال و آنان را مشغول به کار کرده ایم . آن همه نیروئی را که دولت های سرمایه داری برای کنترل ما کارگران گمارده اند چنانچه این نیروها را برای آسایش و رفاه کارگران اختصاص می دادند شاید مشکلات کارگران کم تر می شد و یامی توانستند برای مدت کوتاهی نظام های خودشان را از مرگ حتمی نجات دهند .

در ایران ما شاهد هستیم که کارگران خاتون آباد تنها به جرم مطالبه کار از زمین و هوا مورد حمله قرار می گیرند و ۴ نفر از کارگران کشته و دهها نفر هم زخمی میشوند این در حالی است که هنوز قاتلان این جنایت محاکمه نشده اند .

کارگران سقز تنها به جرم اقدام به برگزاری مراسم اول ماه مه روز جهانی کارگر مورد یورش صدها نفر از ماموران دولت قرار می گیرند و بازداشت می شوند و بعد از 25 ماه هنوز پرونده ها در دست بررسی است و مادستگیرشدگان درگیر در این پرونده هزینه های زیادی متحمل شده ایم که هیچ وقت برای ما قابل جبران نیست .

کارگران شرکت واحد تنها به جرم تاسیس سندیکا مورد حمله قرار می گیرند و به بچه های 10 ساله آنان هم رحم نمی کنند. چون پدرانشان کارگرند .

کارگران نساجی سنندج مورد حمله قرار میگیرند و برای آنان پرونده سازی می شود. تنها به جرم مطالبه کار از کارفرما .

کارگران شرکت پریس سنندج مورد حمله کارفرما قرار می گیرند و کارفرما ، بهزاد سهرابی نماینده کارگران را تهدید به مرگ میکند و اظهار می دارد که من 8 میلیارد تومان دارم و همه شما را زنده زنده پوست می کنم . جالب است در کشوری که عدالت و مردم محوری حاکم است !!!!! یک کارفرما اعتراف میکند که 8 میلیارد تومان پول دارد و اگر شما کارگران حاضر به امضای قرارداد یک ماهه نشوید " **من شما ها را می کشم** " این تنها گوشه کوچکی از مبارزه طبقه کارگر در ایران است. خلاصه دولت بجای اینکه برای ما کارگران آسایش و رفاه اجتماعی فراهم کند مدام ما را تحت تعقیب و آزار قرار می دهد به شکلی که هر فعال کارگری چند نفر از نیروهای محلی را به خود اختصاص داده است .

## **کارگران ، مردم آگاه :**

این روزها دست دولت از آستین یک افسر اداره آگاهی بیرون آمده تا برای من و خانواده ام مشکل ایجاد کنند. ماجرا از این قرار است . شخصی بنام آقای علی آریامنش (علا کرمی ) که یک افسر مدیریت آگاهی است در حمله نیروهای اداره اطلاعات **به مخفی گاه صدام حسین یعنی خانه ما** . در تاریخ 83/2/12 خانواده من را مورد اذیت و آزار قرار می دهد . وقتی خانم بنده به این عمل ضد انسانی ایشان معترض می شود او را مورد کتک کاری قرار می دهد تا اینکه یکی از نیروهای اداره اطلاعات او را

از حیات منزل من بیرون میکنند. این افسر بعد از این مرتباً برای خانواده من ایجاد مزاحمت می کند .

روز اول ماه مه امسال (1385) صدها نفر از مردم برای گرامیداشت روز جهانی کارگر در محل کار من تجمع کرده بودند. من هم برابر سنتی دیرینه که هر سال کارگران جهان در این روز به خیابان ها می آیند . به جمع تجمع کنندگان رفتم . وقتی وارد آن جمع شدم صدها نفر از نیروهای لباس شخصی و نیروهای انتظامی ما را محاصره کردند . آقای علا کرمی یکی از این افراد بود که پشت سر من آمد و من را تهدید به مرگ کرد . من هم روبه ایشان گفتم " من با شما هیچ مشکلی ندارم شما نمی توانید هیچ کاری هم انجام دهید".

این شخص بعد از مراسم مرتباً به تهدید خانواده من پرداخته و پسر من را همان روز دستگیر و او را تهدید به مرگ می کند و هر چند یک بار برای ترساندن خانواده ام در کوچه ما ظاهر می شود و یا روبروی محل کار من با اسلحه کمری خود بازی می کند .

این شخص از من و خانمم شکایت کرده و من را به حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی احضار و از من به جرم اینکه به ایشان توهین کرده ام بازجوئی کردند . در همان روز بازجوئی که در محل حفاظت اطلاعات صورت گرفت و یک سرگرد حضور داشت روبه من گفت: "از من خواستند تا از شما شکایت کنم . وگرنه من خودم آنقدر توانایی دارم تا حق خودم را بگیرم . شکایت یعنی ضعف انسان و ...". در تاریخ 85/3/31 از طرف بازپرسی شعبه دوم داد سرای عمومی و انقلاب سقز احضاریه ای به دست من و همسر من نجیبه صالح زاده رسید تا به دادگاه مراجعه کنیم .

در تاریخ 85/4/3 در دادسرای عمومی و انقلاب حاضر و به سئوالات آقای الفنده بازپرس شعبه دوم در برابر اتهامات انتسابی پاسخ دادیم و از خود دفاع کردیم .

اتهامات ما توهین به مامور دولت در حین انجام وظیفه بود .

این اتهامات از طرف من و همسر مردود و غیره واقعی است . ما در حضور دادگاه گفتم که برابر اعتقادی که داریم ما نه به کسی توهین می کنیم و نه کسی را اعدام میکنیم . ما اعتقاد داریم که هیچ کس حق ندارد به انسانها بی احترامی کند .

بعد از بازپرسی برای من و همسرم قرار وثیقه صادر شد و فعلاً با سند آزاد شده ایم و حال منتظر دادگاه بعدی هستیم که در تاریخ 85/7/11 برگزار خواهد شد.

## **کارگران ، مردم شرافتمند :**

من و خانواده ام برای این، تحت تعقیب دولت و عوامل آن هستیم که از حقوق کارگران دفاع کرده و می کنیم . اگر امروز توسط یک مامور من و خانواده ام تهدید به مرگ می شویم . برای ما تنها چیزی که بی ارزش است همین تهدیدها می باشد. من و خانواده ام چندین سال است مورد این تهدیدها هستیم و برای ما خیلی عادی است .

ما این نوشته را تنها برای این نوشتم که عده زیادی از دوستان و انسانهای آزاده بعد از اول ماه مه 1385 و شکایت آقای علا کرمی از ما در مورد شکایت سؤال می کنند و اعلام آمادگی می کنند که در هر مرجعی که لازم باشد شهادت بدهیم که این یک سناریوی دیگری علیه فعالان کارگری است .

### **(شاهدان کسانی هستند که روز کارگر در محل حضور داشتند.)**

من ، همسرم و پسرانم یک بار دیگر دست تک تک کسانی که در این مدت برای ما ایمیل زدند و یا با تلفن جویای حال ما شده اند را می فشاریم . این تماسها مایه دلگرمی ما و به معنی همسرنوشتی طبقه کارگر است.

پیروز و سربلند باشید .

**نجیبه صالح زاده**

**محمود صالحی**

سقز 85/4 /14